

طلا از سپر امنیت به کالای لوکس تبدیل شد

کیمیاگری معکوس



کیمیا ملکی: یادش بخیر، نسخه قدیمی‌ها ساده بود: هر ماه بخشی از حقوق را کنار بگذار، چند گرم طلا بخر، بگذار توی کشو و خیالت راحت که یک تکه امنیت برای روز مبادا داری. همان عادتی که مادرها و مادر بزرگ‌ها بی‌هیاهو اجرا می‌کردند و نتیجه می‌شد دارایی‌ای که در گرانی و تنگدستی، پشتوانه خانواده می‌ماند اما حالا در تابستان ۱۴۰۵، وقتی قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار از ۱۹ میلیون و ۱۰۸ هزار تومان عبور کرده، آن عادت ساده عملاً به افسانه پیوسته است. کارگری که حقوق ماهانه‌اش هنوز به ۲۲ میلیون تومان نمی‌رسد یا کارمندی که هزینه‌ی اجاره خانه نیمی از درآمزش را می‌بلعد، دیگر نمی‌تواند با خیال آسوده حتی نیم‌گرم طلا بخرد.

طلا در اقتصاد امروز از یک دارایی مردمی به کالایی اشرافی برای بازماندگان قدرت خرید تبدیل شده است. این گزارش **سنت**، قصه پر شتاب همان کالایی است که زمانی پس‌انداز خرد بود و حالا آینه تمام‌نمای فاصله‌ی طبقاتی شده است.

قیمت روز

تا لحظه تنظیم این گزارش در روز ۱۷ مرداد ۱۴۰۵، هر گرم طلای ۱۸ عیار در بازار تهران به ۱۹ میلیون و ۱۰۸ هزار تومان رسیده و سکه امامی هم روی عدد ۱۸۵ میلیون و ۲۰ هزار تومان ایستاده است. اعدادی که دیگر نمایانگر فاصله‌اند. فاصله میان رسم قدیمی «طلا بخر، بگذار کنار» با واقعیت امروز خانوارهایی که حقوق ماهانه آن‌ها قبل از نیمه ماه خرج اجاره، خوراک، درمان، مدرسه، قسط و قبض می‌شود. زمانی خرید یک انگو، یک ربع‌سکه یا حتی چند گرم طلا شکل ساده‌ای از پس‌انداز بود؛ نه لوکس بود و نه عجیب اما حالا کار به جایی رسیده که حتی نیم گرم طلا نیز برای بسیاری از مردم، بیشتر شبیه یک هدف دور دست است تا یک تصمیم مالی معمولی.

از پس انداز خانگی تا دارایی اشرافی

قیمت سکه امامی تا لحظه تنظیم گزارش در ۱۷ مرداد ۱۴۰۵، معادل ۱۸۵ میلیون و ۲۰ هزار تومان ثبت شده است. عددی که اگر چند سال قبل روی تابلو بازار می‌آمد، بیشتر شبیه یک شوخی بود اما حالا واقعیت روزمره بازار است و ظاهراً همه به خوبی به آن عادت کردند.

سکه زمانی یکی از رایج‌ترین ابزارهای پس‌انداز خانوارهای ایرانی بود. هدیه عروسی، ذخیره روز مبادا، سرمایه کوچک مادر خانواده، پشتوانه‌ای برای خرید خانه، جهیزیه، درمان یا تحصیل فرزند. حالا اما سکه با این قیمت، عملاً از سبد خرید طبقه متوسط عادی هم فاصله گرفته؛ چه برسد به کارگر، کارمند حداقلی‌بگیر، مستاجر شهری یا خانواده‌ای که چند منبع هزینه هم‌زمان روی دوش دارد.

نکته تلخ ماجرا این است که طلا هنوز همان کارکرد قدیمی را دارد: حفظ ارزش پول اما پولی که قرار است تبدیل به طلا شود، دیگر چندان باقی نمی‌ماند. مردم می‌دانند اگر طلا بخرند، احتمالاً از تورم عقب نمی‌مانند اما مسئله بسیاری اصلاً به نقطه خرید نمی‌رسند.

صندوق‌های طلا جهانی سبز، داخلی قرمز

یکی از اتفاقات قابل توجه هفته، رفتار صندوق‌های طلا بود. با وجود رشد اونس جهانی، صندوق‌های طلا در معاملات اخیر بورس تحت تأثیر کاهش نرخ دلار داخلی افت کردند و یکدست در محدوده منفی قرار گرفتند. ارزش معاملات این گروه حدود ۶ هزار و ۸۰۵ میلیارد تومان بود و حجم معاملات نزدیک به ۸۱۶ میلیون واحد ثبت شد. خروج پول حدود ۲۱۱ میلیارد تومانی از صندوق‌های طلا نشان داد بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند در کوتاه‌مدت از این بازار فاصله بگیرند. سرانه فروش نیز بالاتر از سرانه خرید بود و قدرت خرید منفی ۲.۲۹ ثبت شد؛ یعنی فروشنده‌گان دست بالاتر را داشتند.

این اتفاق نشان می‌دهد بازار طلا فقط یک بازار فیزیکی نیست، حالا صندوق‌ها، گواهی‌ها و ابزارهای بورسی هم بخشی از نبض آن را نشان می‌دهند اما این ابزارها نیز از ۲ فشار هم‌زمان اثر می‌گیرند: اونس جهانی و نرخ ارز داخلی. وقتی این دو خلاف جهت هم حرکت کنند، بازار صندوق‌ها نیز دچار واگرایی می‌شود.

بازار طلا؛ سود برای دارندة، حسرت برای جامانده

افزایش قیمت طلا همیشه ۲ روایت دارد. روایت اول، روایت کسانی است که طلا دارند و ارزش دارایی آن‌ها بالا می‌رود. برای آن‌ها، طلا همچنان پناهگاه قابل اعتماد است. روایت دوم اما روایت کسانی است که می‌خواستند بخرند و نتوانستند؛ کسانی که هر بار گفتند «صبر کنیم کمی پایین بیاید» و بعد دیدند بازار یک پله بالاتر رفت. این ۲ روایت امروز بیش از هر زمان دیگری از هم فاصله گرفته‌اند. دارندگان طلا از رشد اونس و دلار حرف می‌زنند؛ جامانده‌گان از حقوقی که به یک گرم نمی‌رسد. بازار روی تابلو عدد نشان می‌دهد اما پشت آن عده‌ها، زندگی مردم ایستاده است. طلای ۱۹ میلیون تومانی فقط نشانه رشد بازار نیست بلکه نشانه کوچکت‌ر شدن توان پس‌انداز نیز هست.

طلای ۱۹ میلیونی!

را فشرده کنند تا شاید بتوانند به خرید یک گرم نزدیک شوند. آن هم اگر در این فاصله طلا دوباره جهش نکند، اجاره بالا نرود، شهریه و درمان و خوراک فشار تازه‌ای نیاورد و دلار مسیر دیگری نرود. همچنان طلا نقش پناهگاه دارد اما پناهگاهی که ورود به آن برای بخش بزرگی از جامعه سخت‌تر از همیشه شده است.

نه حتی یک قطعه جدی برای سرمایه‌گذاری. فقط یک گرم آن هم بدون اجرت. همین یک گرم حالا تبدیل به شاخصی برای سنجش قدرت خرید مردم شده است. اگر زمانی خانواده‌ها با بخشی از درآمد ماهانه خود می‌توانستند چند گرم طلا کنار بگذارند، امروز بسیاری از حقوق‌بگیرها باید چند ماه فقط هزینه‌های ضروری

بازار طلا در هفته دوم مرداد ۱۴۰۵ یکی از همان هفته‌هایی را پشت سر گذاشت که ظاهرش برای دارندگان طلا خوشایند است اما برای خریداران تازه‌نفس تلخ و سنگین. طلای ۱۸ عیار در تمام هفته در کانال ۱۸ میلیون تومان نوسان کرد و در روز ۱۷ مرداد، قیمت آن تا ۱۹ میلیون و ۱۰۸ هزار تومان رسید. این عدد، قیمت یک گرم طلاست نه یک سرویس، نه یک انگو،

هفته مثبت برای طلا، هفته سخت برای خریدار

جهانی اجازه نداد قیمت داخلی آن‌طور که انتظار می‌رفت پایین بیاید. اونس جهانی طلا در روزهای پایانی هفته رشد قابل توجهی داشت و تا محدوده ۴۲۸۷ دلار بالا رفت. یعنی یک نیروی کاهشی از سمت دلار داخلی وجود داشت و یک نیروی افزایشی از سمت اونس جهانی. نتیجه، بازاری شد که نه مثل دلار ریخت و نه مثل اونس جهانی تمام‌قد جهش کرد. برای خریداران اما تفاوت چندانی ندارد. وقتی قیمت هر گرم طلا هنوز بالای ۱۸ میلیون تومان است، بازار هرچقدر هم متعادل تحلیل شود، در زندگی روزمره مردم همچنان گران است.

در هفته‌ای که گذشت، بازار طلا روندی صعودی داشت. شنبه ۱۰ مرداد، طلای ۱۸ عیار روی محدوده ۱۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان ایستاده بود. در ابتدای هفته، افزایش نرخ ارز در بازار تهران و رشد انتظارات تورمی، قیمت طلا را بالا نگه داشت. یکشنبه ۱۱ مرداد نیز همین مسیر ادامه پیدا کرد و طلا حتی تا مرز ۱۹ میلیون تومان پیش رفت.

اما از دوشنبه ورق بخشی از بازار برگشت. نرخ دلار در بازار داخلی کاهش پیدا کرد و حدود ۸ هزار تومان عقب نشست. در حالت عادی، چنین افتی می‌توانست فشار کاهشی جدی بر طلا وارد کند. اما این بار بازار

اونس جهانی به داد بازار تهران رسید

ممکن است اجازه ارزان شدن طلا را ندهد. این همان وضعیتی است که خریدار خرد را سردرگم می‌کند. از یک طرف می‌بیند دلار پایین آمده و انتظار کاهش قیمت دارد؛ از طرف دیگر، طلا همچنان گران می‌ماند چون اونس جهانی بالا رفته است.

در حقیقت خریدار ایرانی حالا باید هم حواسش به نرخ ارز داخلی باشد، هم به بازار جهانی، هم به انتظارات تورمی، هم به رفتار سرمایه‌گذاران و هم به سیاست‌های پولی اقتصادهای بزرگ.

۱۰ سالی که طلا از حقوق جلوزد

رشد نقدینگی، سیاست‌های انبساطی جهانی و افزایش اونس، بازدهی حدود ۱۴۱ درصدی برای طلا رقم خورد. سال‌های ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ هم از دوره‌های طلایی بازار بودند؛ بازدهی‌هایی که برای دارندگان طلا شیرین و برای جامانده‌گان دردناک بود. مشکل اصلی دقیقاً همین جاست. طلا در سال‌های تورمی نقش سپر را بازی کرده اما فقط برای کسانی که از قبل توانسته‌اند وارد بازار شوند. آن‌هایی که هر ماه میان اجاره، خوراک و قسط گیر کرده‌اند، از این سپر فقط خبرش را شنیده‌اند.

رسم قدیمی زیر قیمت‌ها دفن شد

مهریه، دارایی و آرامش خاطر بود. اما امروز این رسم قدیمی زیر فشار قیمت‌ها خم شده است. با طلای ۱۸ میلیون و ۵۷۸ هزار تومانی، خرید حتی یک گرم طلا برای بسیاری از خانواده‌ها نیاز به برنامه‌ریزی چندماهه دارد. نیم‌گرم طلا هم دیگر خرید ساده آخر ماه نیست. وقتی حقوق ماهانه باید خرج هزار و یک نیاز ضروری

در فرهنگ اقتصادی خانواده‌های ایرانی، طلا همیشه جای خاصی داشته است. مادرها می‌گفتند «پول دستت نماند، طلا بخر.» مادر بزرگ‌ها سکه و انگو را برای روز مبادا نگه می‌داشتند. پدرها گاهی با خرید یک ربع‌سکه خیالشان راحت می‌شد که چیزی برای آینده کنار گذاشته‌اند. طلا هم‌زمان پس‌انداز، هدیه، پشتوانه،

خریدار امروز چه می‌بیند؟

ورود، می‌تواند سرمایه کوچک خانوار را برای مدت‌ها درگیر کند. در چنین بازاری، مدیریت ریسک مهم‌تر از پیش‌بینی است. کسی که تمام نقدینگی خود را در یک قیمت وارد طلا می‌کند، در برابر نوسان‌های کوتاه‌مدت آسیب‌پذیرتر است. خرید پله‌ای، نگه داشتن بخشی از نقدینگی و پرهیز از دنبال کردن شایعات، هنوز منطقی‌ترین رفتار برای سرمایه‌گذار خرد است.

برخی به جای سکه کامل سراغ ربع‌سکه، طلای آب‌شده کم‌وزن یا صندوق‌های طلا می‌روند. برخی دیگر اصلاً از بازار خارج شده‌اند و منتظر اصلاح قیمت مانده‌اند. گروهی هم با ترس از جا ماندن، در هر افت کوچک خرید می‌کنند اما واقعیت این است که بازار طلا دیگر جایی برای تصمیم‌های هیجانی نیست. فاصله قیمت‌ها آن‌قدر زیاد شده که یک اشتباه در نقطه

خریدار خرد امروز با یک تناقض سخت روبه‌روست. از یک طرف می‌داند که نگه داشتن پول نقد در اقتصاد تورمی، به معنای آب رفتن تدریجی قدرت خرید است. از طرف دیگر، قیمت طلا آن‌قدر بالا رفته که ورود به بازار آسان نیست. همین وضعیت باعث شده خریدهای خرد، پله‌ای و بسیار محتاطانه‌تر شود.

سخن پایانی

بازار طلا در ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ تصویری روشن از اقتصاد امروز خانوار ایرانی می‌دهد؛ بازاری که از یک طرف برای سرمایه‌گذار قدیمی سود ساخته و از طرف دیگر، مسیر ورود تازه‌واردها را سخت‌تر کرده است. طلا ۱۸ عیار با قیمت ۱۹ میلیون و ۱۰۸ هزار تومان و سکه ۱۸۵ میلیون و ۲۰ هزار تومانی نشانه‌های فرسایش قدرت خریدند. رسم قدیمی خرید طلا برای روز مبادا هنوز در ذهن مردم زنده است اما جیب بسیاری از خانواده‌ها دیگر توان اجرای آن را ندارد. در هفته‌ای که اونس جهانی رشد کرد و دلار داخلی نوسان داشت، طلا باز هم نشان داد که از ترکیب نااطمینانی، تورم و بازار جهانی تغذیه می‌کند. برای مردم پرسش اصلی ساده‌تر است: وقتی حقوق ماهانه خرج زندگی روزمره می‌شود، روز مبادا را با چه چیزی باید ساخت؟